

مسائل مطرح در روابط ایران و چین

با تأکید بر مسئله مسلمانان چین و وظایف جمهوری اسلامی ایران

(متن مدوّن سخنرانی دکتر حامد وفايي، کارشناس مسائل چین و استاد دانشگاه تهران)

مقدمه

مطالعه مسائل چین، چرایی و چگونگی توسعه روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با این کشور، از جمله مهم‌ترین مسائلی است که نخبگان و آگاهان سیاسی ایران باید به آن توجه کنند. امروزه چین به لحاظ اقتصادی، قدرت دوم در جهان است و از آنجایی که این کشور توسعه اقتصادی سریعی را طی کرده و می‌کند، در آینده‌ای نزدیک به جایگاه اول جهان خواهد رسید. چین یکی از پُر جمعیت‌ترین کشورهای جهان بوده، به گونه‌ای که از هر پنج نفر جمعیت جهان یک نفر چینی است. این مسئله ظرفیت بزرگی در زمینه‌های مختلف برای کشورهای جهان ایجاد می‌کند. اگر ایران در ابعاد مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی، توسعه و ... برنامه‌هایی برای پیشبرد اهداف خود در جهت پیشرفت و ارتقاء داشته باشد، تعامل و مراوده با کشور چین کمک بسیار شایانی در رسیدن به این اهداف خواهد کرد.

این در حالی است که شناخت جامعه ایران از چین و به‌ویژه فرهنگ و سیاست این کشور در سطح بسیار پایین و ناقصی است و این موضوع مانع مهمی در توسعه روابط ایران و چین محسوب می‌شود. در همین زمینه بعد از امضاء سند تفاهم‌نامه همکاری راهبردی ۲۵ ساله‌ی ایران و چین، جنجال گسترده‌ایی در ایران اتفاق افتاد که ریشه آن رسانه‌های غربی بودند. در یک رسانه انگلیسی مطلبی با این مضمون که قرار است ایران و چین ۴۰۰ میلیارد سرمایه‌گذاری داشته باشند، چاپ شد که این امر صحت نداشت. در مجموع افکار عمومی، دانشگاهیان و بسیاری از مقامات دولتی از این توافقنامه اطلاعی نداشتند و همین عدم آگاهی باعث شد رسانه‌های غربی موج رسانه‌ایی علیه روابط ایران و چین ایجاد کنند و این خلأ شناختی جامعه ایران در حوزه چین، موجب گردیده روابط با این کشور برای جمهوری اسلامی با هزینه‌هایی همراه باشد، بنابراین شناخت نوع نگاه چین به حوزه بین‌الملل و مسائل مطرح در روابط تهران با پکن اهمیت زیادی جهت تنویر افکار عمومی و به دنبال آن تسهیل زمینه نگاه به شرق و توسعه روابط با چین دارد.

علاوه بر این، یکی دیگر از مسائل مطرح در روابط طرفین که دستمایه جنگ روانی رسانه‌های بیگانه قرار گرفته است، موضوع مسلمانان چین و چگونگی مواجهه پکن با آنان است که به دلیل شناخت ناقص و گاه غلط افکار عمومی و حتی نخبگانی ایران از این موضوع، واکنش‌های ناروایی نسبت به این مسئله در جامعه ایران شکل می‌گیرد. آگاهی از وضعیّت مسلمانان چین و به‌ویژه چگونگی تعامل با آن‌ها از منظر توسعه نفوذ فرهنگی ایران در این کشور امری

اساسی است. بر این اساس در نوشتار پیش‌رو - که متن سخنرانی دکتر حامد وفایی، کارشناس مسائل چین و استاد دانشگاه تهران - ضمن بیان سیاست خارجی چین و جایگاه ایران در آن، به‌صورت ویژه مسئله مسلمانان این کشور و جایگاه آنان در جامعه چین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- رویکرد و اولویتهای چین در حوزه روابط بین الملل

نوع نگاه چین به روابط بین الملل در دوران معاصر، با چرخش‌هایی همراه بوده است. در دوره رهبری شی جین پینگ، که رئیس جمهور و عالی‌ترین مقام سیاسی این کشور در حال حاضر است، رویکرد چین به عرصه روابط بین الملل از توسعه و صلح به توسعه و امنیت تغییر کرد. در دوران جنگ سرد چینی‌ها با توجه به این فضای تخصصی و اتفاقاتی که در نظام بین الملل می‌افتاد، همواره خطر جنگ را احساس می‌کردند. بر این اساس در بسیاری از شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی شهر پکن، پناهگاه‌های ضد هسته‌ای با فاصله زمانی ۶ الی ۹ دقیقه احداث کردند که اکنون بسیاری از آن‌ها به پارکینگ تبدیل شده است، اما امروزه با توجه به تغییراتی که در فضای بین الملل اتفاق افتاده، اشکال جدیدی از جنگ در حال وقوع است. در این میان، می‌توان به جنگ تجاری چین و آمریکا اشاره کرد که به صورت علنی هر دو کشور در حال ضربه زدن به یکدیگر هستند. در این وضعیت نگاه کشوری همچون چین که به دنبال امنیت است بسیار متفاوت از کشوری است که در پی صلح می‌باشد. چین بر مبنای همین نگاه، چندجانبه‌گرایی را در محیط بین الملل در دستور کار خود قرار داده است که مهم‌ترین سیاست این کشور در نظام بین الملل است. در واقع، چینی‌ها با ابزار چندجانبه‌گرایی در فکر تأمین امنیت خود هستند.

چین نگاه چند قطبی به آینده جهان دارد و خود را به عنوان یک قطب بزرگ در این جهان تعریف کرده و بر مبنای آن گام‌های بعدی را تثبیت می‌کند.

قاعدتاً وقتی چین چنین نگاهی به نظام بین الملل دارد، به سمت چارچوب‌های غیر از کشورهای غربی مثل سازمان ملل متحد می‌رود و در حوزه چندجانبه گرایی، فضایی را ایجاد می‌نماید که خودش نسبت به کشورهای غربی اثرگذارتر باشد. از آنجا که در سازمان‌های بین‌المللی و شورای امنیت چین نمی‌تواند حرف آخر را بزند، اما در یک ساختارهایی مثل سازمان همکاری‌های شانگهای که ماهیتاً امنیتی است، چین دست برتر دارد، بنابراین، پکن به سمت ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان شانگهای در حوزه اکو می‌رود و از این طریق وارد معادلاتی می‌شود که شرایط را به نفع خود تغییر دهد. پذیرش ایران در سازمان شانگهای نیز بی‌ارتباط با نگاه چندجانبه‌گرایانه‌ی چین به عرصه بین‌الملل و تلاش برای ایجاد توازن قوا در مقابل آمریکا نیست. البته باید توجه داشت که سازمان همکاری شانگهای ماهیتی امنیتی داشته و بر اساس دغدغه‌های امنیتی کشورهای این حوزه شکل گرفته است. حضور ایران در یک سازمان امنیتی منطقه‌ای می‌تواند در حوزه اقتصادی مهم باشد، اما انتظار گشایش اقتصادی از این سازمان برای ایران چندان درست نیست. ایران در چارچوب این سازمان می‌تواند مذاکرات اقتصادی حول محور امنیت اقتصادی دنبال کند، ضمن این‌که در داخل این سازمان یک گروه‌بندی وجود دارد و کشورهای عضو بر اساس اولویت‌های خود مسائلی را مدنظر قرار داده و سیاست‌هایی را برنامه‌ریزی می‌کنند. در این میان چین علاقه‌مند است سازمان شانگهای به سمت مسائل اقتصادی سوق پیدا کند.

نکته دیگر این که نگاه چین به آینده نظام بین الملل بر این است که آمریکا در یک مسیر فرود قرار دارد. نکته‌ی مهم این که پکن علاقه‌مند به فرود و نه افول آمریکا است، به گونه‌ای که واشنگتن نه در مقام قدرت اول، بلکه به عنوان یک قدرت در کنار سایر قدرت‌ها قرار بگیرد، ضمن این که چین نمی‌خواهد قدرت اول دنیا باشد، چرا که در حال حاضر ظرفیت لازم برای این جایگاه و آمادگی پذیرفتن مسئولیت‌هایی که قدرت اول شدن به کشورهای مختلف می‌دهد را ندارد. ضمن این که اولویت اصلی چین توسعه اقتصادی است و همین امر موجب گردیده چین در یک اتاق شیشه‌ای قرار گیرد که اشخاصی مثل ترامپ به راحتی می‌توانند این شیشه را شکسته و تخریب نمایند. به همین علت است که در جنگ تجاری آمریکا و چین در مقابل ضرباتی که چین متحمل می‌شود پاسخی نمی‌دادند.

بحث بعدی نوع اولویت‌های چین در عرصه روابط بین‌الملل است. در این زمینه اولویت‌های خارجی پکن را در چهار حلقه می‌توان توضیح داد. در حلقه اول موضوع مواجهه پکن با ایالات متحده قرار دارد. آمریکا اصلی‌ترین چالشی است که چینی‌ها با آن مواجه هستند، در حالی که کشورهای مثل ژاپن، هند و روسیه قدرت‌هایی در جهان چند قطبی هستند که رابطه آن‌ها با چین مشارکتی است. این کشورها حلقه دوم اولویت‌های سیاست خارجی چین را تشکیل می‌دهند. در حلقه سوم، کشورهایی همچون افغانستان، کره شمالی و جنوبی، کشورهای آسیای مرکزی و جنوب شرقی برای چین مطرح

هستند و در حلقه چهارم کشورهای مهم خاورمیانه مثل ایران، ترکیه و عربستان، قرار دارند.

۲- نگاه چین به رابطه با ایران بر مبنای توافق ۲۵ ساله

گسترش روابط ایران با چین تحت راهبرد نگاه به شرق در سطوح عالی جمهوری اسلامی تعریف می‌شود، و مفهوم نگاه به شرق یک تعبیر دقیقی است، چرا که ما همیشه نمی‌توانیم نگاه و ارتباطمان یک سویه و با یک طیف از کشورهای دنیا تنظیم کنیم. از طرفی نگاه به شرق نافی ارتباط با غرب نیست، بلکه باید همزمان با غرب و شرق ارتباط داشت و این امر ناظر به توازن و تعادل در سیاست خارجی است. آنچه تاکنون در روابط ایران و چین اتفاق افتاده است، به این صورت بوده که به‌طور معمول سیاست جمهوری اسلامی در قبال کشور چین، یک سیاست منفعل و آلترناتیوی بوده است؛ یعنی نگاه بسیاری از دولت‌ها در جمهوری اسلامی همواره به غرب بوده و آنجا که از سوی غربی‌ها به ایران خیانت می‌شد، ناگزیر به سمت شرق و کشور چین متمایل می‌شد و این نوع ارتباط با کشور بزرگی مانند چین که عضو شورای امنیت است، صحیح نیست. به این ترتیب ترسیم جایگاه کشور چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک امر ضروری است. بر این اساس در دیداری که شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین با رهبر معظم انقلاب در بهمن ماه ۱۳۹۴ داشت، دو طرف تصمیم گرفتند مناسبات ایران و چین را تا سطح مشارکت راهبردی ارتقا دهند. این مشارکت مشتمل بر یک مثلث با اضلاع سه‌گانه است که عبارتند از:

ضلع اول ناظر به این مسئله است که روابط با چین مشارکتی است نه رقابتی؛ در ضلع دوم جامعیت روابط این دو کشور مطرح می‌باشد، چرا که چین ظرفیت گسترش روابط با همه کشورها در زمینه‌های مختلف را دارد. نباید فراموش کرد که امروزه گسترده‌ترین روابط با چین را دشمنانش دارند. به عنوان مثال می‌توان به روابط چین با آمریکا اشاره کرد. به‌رغم این‌که روابط این دو کشور خصمانه است و هر دو درگیر جنگ تجاری با هم هستند، اما در عین حال چینی‌ها بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا هستند. همچنین کشورهای دیگری که به لحاظ ایدئولوژیکی در اردوگاه غرب قرار دارند، روابطشان با چین بسیار گسترده است و در حوزه‌های بسیار حساس با هم ارتباط دارند.

ضلع سوم مثلث فوق، مشارکت جامع راهبردی با هدف گسترش و ارتقاء رابطه‌ی ایران و چین است. بر اساس گفتگوی مقام معظم رهبری با رئیس جمهور چین، باید یک برنامه بلندمدت بین دو کشور تدوین می‌شد تا روابط دو کشور ارتقاء یابد و موافقتنامه‌ی ۲۵ ساله روابط ایران و چین، در راستای این نگاه بلندمدت و جهت تعریف مناسبات طرفین در حوزه‌های مختلف از این فرآیند حاصل شد.

در مجموع در تحلیل روابط ایران و چین با توجه به انعقاد موافقتنامه‌ی مذکور میان طرفین می‌توان نکات ذیل را گفت:

اول: تفاهم‌نامه‌ای که بین ایران و چین امضا گردید، کلی بوده و جزئیات در آن مطرح نشده است، بنابراین نیازمند استخراج تفاهم‌نامه‌ها و توافقات جزئی

است و اگر این توافقات صورت نگیرد، عملاً کارایی نخواهد داشت. ایران و چین باید در حوزه‌هایی که دغدغه مشترک دارند در قالب برنامه‌هایی با هم تعامل و گفتگو داشته باشند و با یک نگاه راهبردی وارد مذاکرات شوند تا از این طریق به یک توافق اصولی، راهبردی، مشارکتی و جامع طبق آن چهارچوب قبلی که گفته شد، دست یابند.

دوم: وقتی چین که جزء کشورهای مؤثر در نظام بین الملل بوده و عضو دائم شورای امنیت و قدرت دوم اقتصادی جهان است، با ایران یک برنامه بلندمدت امضا می‌کند، حاکی از آن است که پکن تا میان مدت به ثبات جمهوری اسلامی اعتماد دارد و حداقل برای ۲۵ الی ۳۰ سال آینده این ثبات را می‌پذیرد.

سوم: در زمینه ایفای نقش چین در مناسبات ایران و آمریکا باید توجه داشت که چینی‌ها تا حدودی حاضرند برای ایران هزینه کنند و بنابراین ایران باید آن حدود را بشناسد و بر این اساس برنامه‌ریزی کند. نکته مهم این‌که آمریکا هیچ نقشی در رویکرد چینی‌ها به ایران ندارند و آن را خود کشور چین تنظیم می‌کند. همچنین ایران و چین در مواجهه با آمریکا فضا و دوایر مشترکی دارند که باید آن فضاهای مشترک را شناسایی کرد و به عبارتی آن فضاهایی که چین حاضر است برای ایران هزینه بدهد، را شناخت و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری نمود. ایران روابط بسیار گسترده‌ای با چین دارد. چین در زمان تحریم، در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی، معادن و مواد اولیه منافع زیادی از ایران دریافت کرده است، اما در عین حال به عنوان عضوی از شورای امنیت، نسبت

به چارچوب سازمان ملل، شورای امنیت، شورای حکام، معاهده خلع سلاح متعهد است و بر این اساس در روابط بین‌الملل تصمیم می‌گیرد. در مجموع رابطه ایران با چین از منظر برقراری تعادل در روابط خارجی اهمیت زیادی دارد و همین عدم تعادل در ادوار مختلف به منافع ملی ایران ضرباتی وارد کرده است که یکی از ملموس‌ترین آن‌ها را بعد از انعقاد برجام شاهد هستیم. چین یکی از کشورهای عضو برجام بود و دولت ایران - دولت یازدهم و دوازدهم - نتوانست بعد از برجام بین کشورهای عضو آن رابطه‌ای متعادل برقرار کند و بیشتر به سوی کشورهای غربی نیل کرد. همین امر موجب گردید بعد از خروج آمریکا از برجام، جمهوری اسلامی نتواند از ظرفیت کشورهای دوست استفاده کند.

۳- وضعیت کلی مسلمانان چین

از مهم‌ترین موضوعاتی که کشورهای غربی با سوءاستفاده از آن چینی‌ها را تحت فشار قرار داده و در ضمن رابطه ایران با چین را نیز غبارآلود می‌کنند، مسئله مسلمانان این کشور است. در کشور چین ۵۶ قوم وجود دارد، گرچه هنوز اقلیت‌های دیگری وجود دارد که در متون رسمی و قوانین چین به رسمیت شناخته نشده‌اند، اما از میان آن اقوام رسمیت یافته، تعداد ۹ الی ۱۰ قوم، مسلمان هستند. این اقوام عبارتند از: «هویی»، «ایغور»، «قزاق»، «تاتار»، «ازبک»، «سالار»، «دونگ شیانگ»، «بائوان»، «قرقیز» و «تاجیک» هستند. بیشتر مسلمانان چین در شرق این کشور و در استان سین کیانگ زندگی می‌کنند، به طوری که اکثریت ساکنان این منطقه را مسلمانان تشکیل می‌دهند، حالت

چهره و زبان‌شان چینی است و مراوده و تعامل مناسبی با سایر چینی‌ها دارند. دولت چین با توجه به ملاحظات سیاسی که نسبت به مسائل قومی و دینی دارد، آمار دقیق مسلمانان این کشور را اعلام نمی‌کند و تنها به صورت رسمی اعلام کرده که فقط ۳۰ الی ۴۰ میلیون نفر از جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که جمعیت مسلمان کشور چین تا ۷۰ میلیون نفر هم تخمین زده شده است.

مبحث ادیان یکی از بحث‌هایی است که در حوزه جمعیتی چین مطرح می‌شود. ادیان رایج در چین دین اسلام، مسیحیت، بودیزم و ادیان سنتی این کشور هستند که شناخت آن‌ها در راه و مسیری که چینی‌ها در پیش گرفته‌اند مؤثر است و با در نظر گرفتن مجموع این تحولات، به تحلیل درستی از فضای آینده و کنونی چین می‌توانیم دست پیدا کنیم. آنچه رسانه‌های غربی درباره وضعیت زندگی مسلمانان چین ارائه می‌دهند مربوط به یک قوم از ده قومیتی است که در چین زندگی می‌کنند و آن قوم «ایغور» است که در استان سین‌کیانگ در شمال غرب چین زندگی می‌کنند و تحت نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی و فرهنگ ایرانی اسلامی قرار دارند. متأسفانه در مدت اخیر، رفتار چینی‌ها با مسلمانان اویغور به شدت ظالمانه و سرکوبگرانه است و عموم مسلمانان در این منطقه تحت فشار هستند که این موضوع را در ادامه بیشتر توضیح می‌دهیم، اما نکته‌ایی که به صورت مقدمه باید گفت این‌که متأسفانه جمهوری اسلامی ایران سال‌ها در موضوع مسلمانان چین منفعل عمل کرده، در حالی که می‌بایست شناخت کاملی در حوزه مسلمانان چین به

دست آورد تا با اتخاذ یک رویکرد فعال بتواند ضمن کمک به مسلمانان، خدشه‌ای هم به روابط ایران و چین وارد نشود. این در حالی است که در چین بیش از ۲۰ مرکز ایران شناسی وجود دارد و مطالعات بسیاری درباره ایران انجام می‌شود. چینی‌ها زبان فارسی را از مقطع کارشناسی تا مقطع دکترا فرا می‌گیرند و در این کشور مترجمان فارسی به صورت کاملاً تخصصی تربیت می‌شوند. افرادی نیز که در حوزه‌های روابط دیپلماتیک با ایران فعالیت دارند به زبان فارسی کاملاً مسلط هستند که این امر در شناخت چینی‌ها از ایران و تحلیل آن‌ها مؤثر است.

در ذیل وضعیّت مسلمانان چین در حوزه‌های مختلف را به‌طور دقیق‌تر شرح می‌دهیم:

۳-۱- دین‌داری و مناسک دینی مسلمانان چین

مردان مسلمان در چین از کلاهی که حاجیان ایرانی بر سر می‌گذارند استفاده می‌کنند و زنان‌شان با حجاب اسلامی ظاهر می‌شوند. باید توجه داشت که در چین تعدد و تکثر قومی به عنوان یک سنت، پذیرفته شده است و بنابراین در آنجا کسی مانع حجاب زنان مسلمان نمی‌شود و این برخلاف کشورهای غربی است که پوشش اسلامی را در برخی مکان‌ها ممنوع کرده‌اند. در واقع حکومت چین یک حکومت ضد اسلامی و دینی نیست، بلکه یک حکومت غیر دینی و غیر اسلامی است و باید این دو را تفکیک کرد. رویکردی که چینی‌ها نسبت به مسلمانان دارند همانند ادیان دیگر مثل مسیحیان و بودائیان است.

در کشور چین بیش از ۳۷ هزار مسجد فعال است. علی‌رغم وجود دوربین در داخل مساجد به خاطر مسائل امنیتی، هر هفته جمعه‌ها، نماز در مساجد اقامه می‌گردد. در ایام ماه مبارک رمضان، تمام مساجد افطاری می‌دهند و مانعی برای ورود هیچ کس به مساجد وجود ندارد. در بسیاری از مساجد چین مشکل سجده بدون مهر وجود ندارد، چون از حصیر استفاده می‌کنند. همچنین مراسم نماز عید قربان و فطر بسیار باشکوه و با حضور صدها هزار نفر برگزار می‌شود. البته باید گفت نمی‌توان منکر ارتباط ائمه جماعات مساجد با حکومت چین شد و این یک موضوع طبیعی است، چرا که آن‌ها در آن کشور زندگی می‌کنند و باید با حکومت چین در ارتباط باشند و شاید از حکومت هم پول دریافت کنند. در واقع این‌که بسیاری از مبلغان از حکومت حقوق می‌گیرند به معنای این نیست که آنها مزدور حکومت چین هستند. در ساختار دولت چین برای تمام ادیان و اقلیت‌های مذهبی همانند راهبان بودایی، معابد و کلیساها حقوق در نظر گرفته شده است. هر ساله سهمی از بودجه چین به ادیان و اقلیت‌ها اختصاص داده می‌شود. حکومت چین در این سال‌ها اقدامات زیادی برای بازسازی مساجد انجام داده که بعضاً گفته می‌شود که معماری اسلامی را تخریب و معماری چینی را جایگزین آن می‌کنند. حدود ۴۰ هزار مبلغ مسلمان چینی در چین فعال است. چینی‌ها در زبان خود به مبلغان «آخونگ» می‌گویند که یک لغت فارسی است و از زبان فارسی به آنجا رفته است. در چین مدارس فعال است که در آن‌ها علوم اسلامی تدریس می‌شود. در مساجد و مدارس، آخونگ‌ها به امر تبلیغ دین مشغول هستند. طبیعی است

مبلغان در امور سیاسی به معنای اینکه مسائل مهمی را مطرح کنند نسبت به کشورهای دیگر آزاد نیستند. در حوزه دینی، مدارس وجود دارد که نفوذ ایران در آنها بسیار چشم‌گیر و آشکار است. ایران در چین عمق استراتژیک فرهنگی دارد و کارهای فراوانی در این حوزه می‌تواند انجام دهد. بیش از ۱۰ میلیون نسخه قرآن در چین به سفارش کشور خود چین چاپ شده است. غیر از این تعداد، هزاران قرآن خارجی در چین پخش شده که عمدتاً قرآن‌های سعودی هستند. نکته مهم این‌که متاسفانه دستگاه‌ها و متصدیان امور فرهنگی ایران در چین ضعیف ظاهر شده‌اند. هر چند در یک دوره‌ای از دکتر اعوانی، از اساتید فلسفه اسلامی برای تدریس اسلام‌شناسی در دانشگاه پکن دعوت به عمل آمد و ایشان چندین ترم با موضوع فلسفه اسلام در آن دانشگاه تدریس کرد، اما بسیار بیشتر از این می‌توان کار کرد. به عنوان مثال در همه مساجد چین قفسه‌های کتاب یا کتابخانه وجود دارد و عمده‌ی این کتاب‌ها چاپ مکه، مدینه و جده است. مسلمانان چینی وقتی قرآن را باز می‌کنند در صفحه اول اسم پادشاهان سعودی را می‌بینند که حتماً در ذهن آن‌ها تاثیر می‌گذارد. در ایام خاص، عربستان اقدام به ارسال مبلغ به چین می‌کند، قاریان قرآن سعودی به این کشور رفت و آمد دارند. در حالی که حدود ۱۵ سال پیش ایران قاری قرآن به چین اعزام می‌کرد، اما اکنون این اقدامات کم فروغ شده و اتفاق نمی‌افتد.

۳-۲- کسب و کار مسلمانان چین

با این که کشور چین از حکومت، دولت و کشور اسلامی برخوردار نیست و دارای یک حکومت حزبی، کمونیستی و سوسیالیستی است با این حال مسلمانان آنجا زندگی می کنند و در کسب و کار مشکلی ندارند. بسیاری از مسلمانان چین شغل های سنتی دارند، اما در زمینه رستوران داری بیشتر فعال هستند. در تمام شهرهای چین از جمله پکن، شانگهای و ... رستوران های اسلامی وجود دارد. در بالای سر در رستوران های خود از علامت حلال و آرم اسلامی استفاده می کنند. داخل رستوران های خود را با عکس های کعبه، مکه، مدینه و هدایای ایرانیان شامل عکس نوشته احادیث اهل بیت (ع) و پرچم تزئین می کنند. برای این مسائل هیچ ممنوعیتی از طرف حکومت چین وجود ندارد. حتی موقع نماز سجاده پهن کرده و نمازشان را می خوانند. همچنین تمامی دانشگاه های چین از سلف اسلامی و حلال بهره می برند. در ماه مبارک رمضان به دانشجویان مسلمان سحری داده می شود.

۴- مسئله مسلمانان ایغور در چین

یکی از اقوام مسلمان ساکن در چین، ایغورها با جمعیت ۱۰ میلیون نفری هستند که در بطن جامعه مسلمان نشین سین کیانگ سکونت دارند. متأسفانه در این مدت چینی ها در برخورد با قوم ایغور افراط کرده و در جاهایی با آن ها اصطکاک پیدا کردند و بین شان تنش ایجاد شد. درباره تاریخچه، چیستی و دیگر مسائل مطرح در موضوع مواجهه چین با ایغورها نکات ذیل وجود دارد:

۴-۱- به لحاظ تاریخی موضوع ایغورها که همان ترک های چین هستند فراتر از دوران جمهوری خلق چین و کمونیست بوده و یک مسئله ریشه دار است.

موضوع برخورد چین با ایغورها به قبل از حکومت کمونیستی حاکم بر این کشور برمی‌گردد. در دوران آخرین سلسله امپراتوری چین، اقوام ترک در غرب چین شورش بزرگی به راه انداختند که به درگیری و کشتار کشیده شد. ۲-۴- ایغورها معتقدند ما قوم ترک هستیم و باید یک کشور ترکی ایجاد کنیم و داعیه جدایی طلبی از چین دارند. آن‌ها پرچمی برای خود طراحی کرده‌اند که کاملاً مانند پرچم ترکیه، اما با زمینه رنگ آبی است. ایغورها از حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم کشور ترکیه برخوردارند و بیشتر از اینکه داعیه اسلامی داشته باشند، داعیه قومی دارند. حتی نامی که برای کشور ادعایی خود انتخاب کرده‌اند در آن لفظ اسلام وجود ندارد و عنوان ترکستان شرقی را به کار می‌برند و جالب آن‌که رهبرشان را خانمی برعهده دارد که در آمریکا زندگی می‌کند.

۳-۴- در منطقه سین چی یانگ یا شین چی یانگ که در شمال غرب چین و مرزهای این کشور با افغانستان است، سلفی‌های زیادی وجود دارند و طبق آمار رسمی و اخباری که در رسانه‌های غربی و شبکه خبری رویترز گزارش شد، حدود ۳ هزار نیروی سلفی از این منطقه به داعش پیوسته‌اند. باید توجه داشت که سال‌های متمادی چین ارتباط اعراب با مسلمانان این کشور را آزاد گذاشته بود، اما متأسفانه عرب‌های اعزامی به چین جماعتی سلفی و از تندروهای سنی بودند و وضعیّت شکل‌گرفته در غرب چین متأثر از این موضوع است.

۴-۴- حدود ۱۰ سال قبل، همین مسلمانان افراطی غرب چین، عملیات های تروریستی مختلفی با چاقو، قمه و در برخی مکان ها عملیات انفجاری انجام دادند که عمدتاً مردم عادی را مورد هدف قرار می داد. به عنوان مثال می توان حمله به مردم در صف خرید بلیط راه آهن در یکی از شهرهای جنوبی را نام برد که طی آن تعداد زیادی کشته شدند و این اقدام بازتاب منفی در جامعه چین علیه مسلمانان داشت یا انفجارهایی را در منطقه سین کیانگ انجام دادند و یا مناطقی که کارگران معادن مشغول به کار بودند، حمله می کردند و افرادی را به قتل می رساندند.

۴-۵- حکومت چین از سال ها قبل برخورد سختی را با افراط گرایی در غرب چین را در دستور کار قرار داده است که در «کتاب سفید» که در آن سیاست هایشان را تدوین و اعلام می کنند، آمده است. در این کتاب به سه دسته از افراد اشاره شده که هدف پاکسازی حکومت چین هستند:

دسته اول: افرادی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در عملیات های تروریستی نقش داشته باشند. این افراد زندانی می شوند و مدتی در زندان می مانند و اگر اظهار ندامت کنند وارد مرحله بعدی می شوند.

دسته دوم: افرادی که با گروه های افراطی ارتباط و جلسات مخفیانه دارند. این افراد تحت رصد و کنترل قرار می گیرند.

دسته سوم: افرادی که احتمالاً با گروه های افراطی ارتباط دارند و به بیان چینی ها احتمال انحراف آن ها وجود دارد.

این سه دسته را چینی‌ها به عنوان هدف تعیین کرده‌اند و بر اساس قوانین چین دسته اول مجرم هستند و زندانی می‌شوند و دسته‌های دوم و سوم را به مراکزی تحت عنوان بازپروری و تربیت و پرورش می‌برند. این نوع مواجهه به صورت شفاف و علنی در چین مطرح شده و در همان کتاب سفید بدان اشاره شده است. البته احتمال این‌که در این مراکز در حق مسلمان‌ها اجحاف شود، وجود دارد. نکته مهم آن‌که از وقتی حکومت چین این سیاست‌ها را در پیش گرفته دیگر عملیات تروریستی در خاک چین اتفاق نیفتاده است.

۴-۶- در مجموع هرچند روی مسلمانان به عنوان اقلیت‌های دینی حساسیت‌هایی وجود دارد، چه این‌که روی مسیحیان و بودائیان نیز این حساسیت‌های امنیتی وجود دارد، اما باید گفت در مرکز چین شهری به نام نینگ شیا یا استانی به نام چینگ هی وجود دارد که مسلمانان در آنجا حضور دارند و آن فضای سنگین امنیتی که در غرب چین در برابر قوم ایغور وجود دارد، در این منطقه وجود ندارد.

۴-۷- یک نکته دیگر درباره نوع برخورد چینی‌ها با مسلمانان مطرح می‌شود و آن تغییر معماری مساجد توسط حکومت چین است. باید گفت چینی‌ها معماری بسیاری از مساجد را نه به عنوان معماری اسلامی، بلکه به عنوان معماری عربی تشخیص داده‌اند، یعنی گمان می‌کنند معماری عربی است و از همین‌رو دست به تغییر و تحول معماری بعضی از مساجد زده‌اند و البته بسیاری از مساجد را کاری نداشته‌اند. مثلاً در بعضی مساجد گنبد گرد را به شکل مثلثی تغییر داده و یا مناره‌هایی که به شکل عربی بود را به شکل

معماری چینی بومی سازی کردند. یعنی معماری ظاهر مساجد را به معماری چینی تغییر داده‌اند، اما مساجد همچنان برقرار است و مسلمانان در آن نماز می‌خوانند و این موضوع باید در قالب بحث هویت سازی چینی تحلیل شود. این رویکرد در حال حاضر نمی‌تواند ضد اسلامی تلقی شود، بلکه به‌ظاهر تلاشی برای بومی‌سازی و به‌زعم چینی‌ها علیه فرهنگ عربی است. می‌توان گفت در اینجا یک فرصتی برای ایران و فرهنگ اسلامی پدید آمده که با توجه به احساس خطری که چینی‌ها نسبت به اعراب پیدا کرده‌اند، جمهوری اسلامی از کانال فعالیت‌های معماری بیشتر وارد فضای مسلمانان چین شود.

۵- وظیفه جمهوری اسلامی در برابر مسلمانان چین

حکومت چین یک حکومت غیردینی بوده، اما حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است. از طرفی روابط ایران با دولت خلق چین دوستانه است. در این میان غربی‌ها سعی کردند با مطرح کردن مسلمان‌های چین به این روابط خدشه وارد کنند. در حالی که مسلمانان چین فرهنگ ایرانی اسلامی را می‌پذیرند و بسیاری از لغات که در نماز و متون دینی به‌کار می‌برند فارسی است. همچنین بسیاری از متون اسلامی چینی‌ها اساساً به زبان فارسی است، مثل کتاب‌های مرصادالعباد، أشعه اللمعات. شاعران ایرانی مثل مولوی و سعدی نیز جایگاه ارزشمندی در چین دارند و در مجموع اسلام با نشانه‌ها و قرائن فرهنگ ایرانی در چین جایگاه ارزشمندی دارد و فقط باید برای احیاء آن تلاش کرد. از سوی دیگر مجموعه تعاملاتی که حکومت چین در حوزه اسلام و مسلمانان کشورش با کشورهای عربی طی کرده، آنها را به این نتیجه رسانده که

اسلامی که این کشورها - و در رأس آن‌ها عربستان- در چین منتشر و تبلیغ می‌کنند، آمیخته به تهدید سلفی‌گرایی است. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ارتباط خود را با چینی‌ها گسترش دهد و با ارائه یک طرح تحت عنوان «چگونگی تبلیغ و ترویج اسلام با تکیه بر منابع اسلامی ایران» شرایط را تغییر دهد و نفوذ فرهنگی خود در چین را تقویت کند.

اخیرا در اجلاسی به طور علنی در حضور مقامات چینی، یک کارشناس فرهنگی ایرانی بیان کرد که شما در مواجهه با ادیان باید راهکارهای دینی بکار ببرید و جمهوری اسلامی در این زمینه می‌تواند به چین کمک کند، یعنی با ارائه یک طرح به چین می‌توان در جهت تربیت نسل مسلمان معقول تلاش کرد و به آن‌ها تضمین داد که هدف گسترش جایگاه ایران در آن کشور نیست. نکته مهم این‌که اسلام شیعی دو خصوصیت برجسته، یعنی عدل و تکیه به عقل دارد که سبب شده در تاریخ اسلام در ایران و ... هیچ وقت تکفیرگرایی و تندروی شکل نگیرد و طرح این دو مؤلفه برای چینی‌ها با استقبال آن‌ها در حوزه‌های دینی و فرهنگی مواجه خواهد شد. علاوه بر این باید برای بهبود وضع مسلمانان چین در قالب گفتگوهای سیاسی با پکن اقدام کرد و در این گفتگوها می‌توان با ارائه طرح به آن‌ها امیدوار بود که نسل بعدی مسلمانان آنها درست تربیت شوند؛ افرادی که دیگر انتحاری و بمب‌گذار نخواهند بود، بلکه اهل ادبیات، فرهنگ و هنر خواهند بود. همچنین جمهوری اسلامی می‌تواند با ارائه متون اسلامی به چین در زمینه برخورد با مسلمانان مشاوری دهد. متون ادبی مثل مثنوی معنوی که یک متن ادبی دینی در ایران است که تمام مثال‌ها، آیات قرآن است. یا مثلا آثار سعدی، شیخ بهائی و یا اشعاری از عرفا که منطبق بر تعالیم اسلامی و قرآنی است را می‌توان در مبادلات فرهنگی و هنری با چینی‌ها ارائه داد./